

# اسناد هویتی ایرانیان در دوره پهلوی اول، ۱۳۱۰-۱۳۲۰ هـ.ش (مطالعه موردی: سند ازدواج)

حسن زندیه<sup>۱</sup>

استادیار گروه تاریخ دانشگاه تهران

بهاره پارسا آرا

کارشناسی ارشد اسناد و مدارک آرشیوی دانشگاه تهران

(از ص ۸۳ تا ص ۹۷)

تاریخ دریافت مقاله: ۹۳/۱۱/۲۸؛ تاریخ پذیرش مقاله: ۹۴/۸/۸

## چکیده

از جمله منابع دست اول و مهم در مطالعات تاریخی اسنادند که بازگوکننده حیات سیاسی، اجتماعی و فرهنگی عصر و زمانه خودند. این منبع مهم برای مردم عادی، از لحاظ اطلاعات مندرج در آنها، و برای استفاده محققین، در فعالیت‌های تحقیقاتی، دارای ارزش و اهمیت است. با شکل‌گیری اجتماعات بشری، انسان‌های اولیه در جستجوی هویت خود و متمایز ساختن خویش بودند. با گذر زمان و افزایش جمعیت جوامع گوناگون، شناسایی هویتی افراد بیشتر مورد توجه قرار گرفته و روش‌های مختلفی برای شناسایی به کار گرفته شده که مهم‌ترین آنها صدور اسناد هویتی برای افراد جامعه بوده است. طرح هویت‌سازی و به دنبال آن طرح اسناد هویتی محصول و نتیجه پیدایش نیمه دوم دولت پهلوی اول بوده است. عقدنامه‌های ازدواج (نکاح‌نامه) از نمونه اسناد هویتی هستند که به دلیل اطلاعات مندرج در آنها، بالاخص مباحث هویتی آن، از لحاظ تاریخی و حقوقی حائز اهمیت‌اند. در نیمه دوم دولت رضاشاه، به دنبال این طرح هویت‌سازی، مسئولین دفاتر ازدواج برای ثبت هر سند موظف به احراز هویت زوجین بودند و بدین ترتیب روند تاریخی تداوم و تحول سند ازدواج در تثبیت هویت ایرانی مورد توجه قرار گرفت.

**واژه‌های کلیدی:** سندشناسی، اسناد هویتی، سند ازدواج، دوره پهلوی اول.

## ۱. مقدمه

اسناد و مدارک در هر مقطع از تاریخ نمایانگر و منعکس‌کننده اوضاع و احوال یک جامعه است و این چه از نظر ظاهری و چه از نظر محتوا نشانگر بسترهای شکل‌گیری این اسناد در آن می‌باشد. در این بین، پژوهندگان اسناد و تاریخ جنبه‌های گوناگون اجتماعی، سیاسی و اقتصادی این اسناد را از لابه‌لای سطور آن کاوش کرده و برای شناخت هرچه بهتر زندگی گذشتگان به کار می‌برند.

به قدرت رسیدن خاندان پهلوی و شخص رضا شاه منشأ تحولات نو و متفاوتی نسبت به حکومت‌های دیگر در ساختار پیکره جامعه کهن ایرانی شد. وی و همفکرانش در صدد اصلاح و ساختن جامعه‌ای متفاوت با جامعه قاجاری و بر اساس الگوهای غربی بودند. از جمله خصوصیات حکومت رضاشاه را می‌توان اقتدارگرایی، اصلاح‌گرایی و تمرکزگرایی در قدرت دانست. وی با این خصوصیات در تلاش برای نوسازی در جامعه ایرانی بود. نظام قضایی از جمله ارکانی بود که در دایره نوگرایی دولت قرار گرفت. از مشخصات ویژه تحول و اصلاح نظام قضایی در این دوره عرفی کردن قضاوت و محدود ساختن حوزه قضاوت شرعی به اموری نظیر نکاح و طلاق بود که پس از مشروطیت برخی از روشنفکران غرب‌گرا به دنبال بودند. تا پیش از این، قضاوت عموماً بر عهده علما و روحانیون بود (ده‌پهلوانی و زندیه، ۱۳۹۰: ۱۲۳).

«سازمان ثبت اسناد و املاک» و به دنبال آن «دفتر ثبت ازدواج» نیز از جمله تشکیلات نوین قضایی و حقوقی بودند که با ایجاد آنها کمک شایانی به طرح هویت‌سازی ملی در دوره پهلوی گردید. ثبت اسناد و قوانین مرتبط با آن، برای اولین بار در سال ۱۲۹۰ هـ. ق، بنا به فرمان ناصرالدین شاه قاجار مطرح شد (دیانی، ۱۳۸۴: ۲۶). بر اساس این آیین‌نامه، معاملات می‌بایست بر برگه‌های مخصوص نوشته و روی آن تمبر زده شود. اما عموم مردم از این قوانین استقبال نمی‌کردند. اولین قانون مدون ثبت، پس از انقلاب مشروطه، در ۱۲ جمادی‌الاول ۱۳۲۹ هـ. ق، در مجلس دوم به تصویب رسید. این قانون ۱۳۹ ماده داشت و در آن موضوع تشکیل ادارات ثبت تحت نظر وزارت عدلیه پیش‌بینی شده بود. با وجود این، قانون مذکور هم عمومیت پیدا نکرد و کمتر کسی داوطلبانه اوراق خود را به ثبت می‌رساند (آل داوود، ۱۳۸۴: ۵۸). در سال ۱۳۰۲ هـ. ش قانون ثبت اسناد و املاک از تصویب مجلس گذشت و در ۲۱ بهمن ۱۳۰۴ مورد اصلاح قرار گرفت. قانون ثبت عمومی املاک در سال ۱۳۰۶، و قانون دفاتر اسناد رسمی در سال ۱۳۰۷ تهیه و تصویب شدند و بتدریج اداره ثبت اسناد و املاک در تهران و ادارات تابعه آن در شهرستان‌ها برای ثبت مشخصات املاک و صدور اسناد مالکیت رسمی به وجود آمدند و وضع مالکیت املاک طبق مقررات قانونی مشخص گردید و به اوضاع آشفته گذشته خاتمه داد. در ماده اول قانون

اصول تشکیلات عدلیه، مصوب ۱۳۰۷، این اداره یکی از ارکان پنج‌گانه ادارات وزارت عدلیه قلمداد شده (زندیه، ۱۳۹۲: ۴۲۹). در ماده اول از قانون ثبت اسناد و املاک، مقصود از تشکیل این اداره چنین بیان شده است:

دوایر ثبت اسناد و املاک برای دو مقصود تشکیل می‌شد: اول ثبت املاک تا اینکه مالکین و حقوق ذوالحقوق نسبت به آنها رسماً تعیین و محفوظ گردد. دوم ثبت اسناد برای اینکه رسماً دارای اعتبار شود.

پس از تصویب قانون ثبت اسناد و املاک، کارکنان آن سازمان، همانند بخشی از قضات دادگستری، با برگزاری امتحانات و تعیین میزان دانش و اطلاعات عمومی، هر یک در حد لزوم به مشاغل مورد نظر برگزیده می‌شدند (شهسواری، ۱۳۳۸: ۱۹۵). از ابتدای تأسیس سازمان ثبت اسناد و املاک کشور و در نظام و ساختار سنتی و قدیمی اداری و مدیریتی آن، که در عین حال در نوع خود مترقی بوده، بخشی از وظایف اجرایی به نهادهای تخصصی مدنی، یعنی دفاتر اسناد رسمی و دفاتر ازدواج و طلاق، محول شده‌است. قانون دفاتر اسناد رسمی مستقلاً در بهمن‌ماه ۱۳۰۷ تصویب گردید و مواد آن با جرح و تعدیلی در قانون ثبت اسناد ۱۳۰۸ و ۱۳۱۰ باب مستقلی را تشکیل داد (محمدی، ۱۳۷۹: ۷۳).

تا سال ۱۳۱۰ ازدواج و طلاق اشخاص به ثبت نمی‌رسید و در نتیجه ضوابط خاصی بر این امور حاکم نبود، مگر ضوابط شرعی که البته رعایت آنها عملاً و عرفاً الزامی بود. پس از انحلال و افتتاح عدلیه<sup>(۱)</sup> توسط علی‌اکبرداور، به دنبال اجرای قانون ثبت و قانون ازدواج، در کنار دفاتر اسناد رسمی، دفاتر ازدواج و طلاق نیز تأسیس شد. در این دوره همزمان با تغییر و تحولات قوانین، به موضوع قوانین ثبت ازدواج نیز توجه شد. ثبت نکاح به جهت آثار مهم آن در زندگی زوجین، فرزندان مشترک و حتی اشخاص ثالث مورد توجه قانون‌گذاران واقع شد.

در مردادماه ۱۳۱۰ قانون ازدواج مشتمل بر ۲۰ ماده، که مقررات طلاق را هم در بر داشت، از تصویب مجلس گذشت و مقرر گردید در نقاطی که وزارت عدلیه تعیین و اعلام کند، ازدواج و طلاق و رجوع باید در یکی از دفاتر رسمی ازدواج و طلاق مطابق نظامنامه به ثبت برسد (کریم‌پور، ۱۳۷۶: ۲۱). اسناد ازدواج در دفاتر ثبت ازدواج در زمان حضور زوج و زوجه و پس از احراز و ثبت هویت آنها و اطلاعات لازمه به زوجین داده می‌شد.

از جمله موارد ویژه‌ای که دولت پهلوی اول درصدد ایجاد آن برآمد طرح اسناد هویتی برای همه ایرانیان بود که علت آن را می‌توان آگاهی از آمار نفوس جامعه، آگاهی از وضعیت ازدواج و طلاق، اطلاع دقیق از نیروهای آماده به خدمت برای ارتش و سایر اطلاعات و مشخصاتی دانست که یک دولت مدرن برای نیل به اهداف خود به آن نیاز داشت.

## ۲. عناصر سندشناسی عقدنامه‌های ازدواج (محتوایی)

دولت اقتدارگرای پهلوی بر اساس نیازهای ایدئولوژیک و ضرورت‌ها و اقتضائات جامعه، دست به ایجاد قوانین و مقررات مدنی زد که از کشورهای غربی اقتباس گردیده بود. در این نیمه از دوره پهلوی اول (۱۳۱۰-۱۳۲۰ ه.ش) به علت تغییرات صورت گرفته در قوانین جاری، محتوای اسناد نیز به تبعیت از حکومت جدید و تغییرات بنیادین آن با دوره قبل از دولت مدرن (نیمه اول حکومت رضاشاه) متفاوت بود. در این دوره، اسناد ازدواج اغلب به صورت دفترچه‌ای و با یک متن یکسان در چاپخانه چاپ و همسان‌سازی و یکدست می‌شد. از آنجا که اداری شدن و ثبت اسناد در دولت رضاشاه مطرح شد، چاپی شدن اسناد در این چاپخانه‌ها و خروج از حالت سنتی خود یکی از این مراحل اصلاحات اداری بود. به عبارت دیگر، اسناد طبق فرم از پیش طراحی شده اداری (برگرفته از اسلوب اروپایی) تنظیم می‌شد. در اسناد ازدواج علاوه بر ذکر نام چاپخانه به محل چاپ آن نیز اشاره می‌گردید. قریب به اتفاق اسناد ازدواج به صورت دفترچه‌ای چاپ می‌شد. کلیه دفاتر ازدواج موظف به ارائه این دفترچه بودند، این اسناد ازدواج شامل سرفصل‌های مشخص و معینی بودند به طوری که خواننده با دیدن آن متوجه تقسیم‌بندی منظم و مرتب آن می‌شود. در مجموع اسناد این دوره، چه از نظر محتوا و چه از نظر ظاهر، دارای ساختار منظم و یکدستی بودند. این روند یکسان‌سازی اسناد ازدواج در دوره پهلوی اول به صورت تدریجی بود و در اواخر دوره رضاشاه تثبیت گردید.

در صفحه آغازین اسناد ازدواج، که در حکم مقدمه بود، به نهادهایی که سند ازدواج به آن وابسته بود توجه شده است. عناصر به کاررفته در این صفحه نشان شیر و خورشید، وزارت عدلیه، ثبت اسناد و املاک کل مملکتی و دفتر رسمی ثبت ازدواج، و چاپخانه و درج قیمت دفترچه ازدواج (معمولاً در حاشیه سمت راست) بوده است. بقیه مشخصات این اسناد را در ادامه بررسی می‌کنیم.

### ۲.۱. تسمیه

مترادف عنوان بسمله و تحمیدیه است. تسمیه در لغات به معنی نام‌گذاری است و عنوانی است جهت ذکر نام و یاد خداوند در صدر سند و با فاصله درخور توجه از آغاز متن قرار دارد. در صفحه اول اسناد ازدواج این دوره، تسمیه‌ها به نسبت دوره پیشین حالت ساده‌ای به خود گرفته‌اند. در شروع صفحه «بسم الله الرحمن الرحیم» می‌آمده که از روی اختصار به آن بسمله می‌گویند. این بخش بدون استثنا در تمام اسناد این دوره در بالای صفحه و در قسمت وسط آن تکرار شده

است. با مطالعه در اسناد ازدواج نیمه دوم پهلوی می‌توان دریافت که دیگر از عنوان‌هایی از نوع «هو الله بین القلوب»، که علاوه بر حمد و ثنای خداوند، نوعیت سند را نیز تعیین میکردند، خبری نیست. این نوع تسمیه‌ها در نیمه اول حکومت رضاشاه به تبعیت از دوره قاجار بیشتر مشهود است.

## ۲.۲. خطبه

در این قسمت از اسناد به حمد و ستایش خداوند و درود بر پیامبر (ص) و تشویق زوجین به ازدواج جهت تحکیم بقا پرداخته شده است. اسلوب تمام خطبه‌های عقدنامه‌های این دوره یکسان و به صورت چاپی است.

مطابق ماده ۱۰ قانون ثبت، اطلاعاتی که در دفتر ثبت نکاح درج شده، عبارتند بود از: شماره، تاریخ ثبت، تاریخ وقوع عقد با تمام حروف، اسم زوجین، به نحوی که در هویت آنها تردیدی نباشد، نوع نکاح و مدت عقد موقت، میزان مهریه، سایر شرایط ضمن عقد نکاح و امضای اشخاص مذکور مواردی را که در صفحه دوم اسناد ازدواج ذکر شده‌اند در ادامه بررسی خواهیم کرد.

## ۲.۳. تاریخ وقوع عقد

تاریخ وقوع عقد در اسناد این دوره تماماً به هجری شمسی است. قانون تبدیل برج‌ها به ماه‌های فارسی، که در نوروز ۱۳۰۴ خورشیدی به تصویب رسید، یکی از روش‌های حقوقی برای تکوین هویت ایرانی متجدد در دوره پهلوی اول بود. بر اساس این قانون، ترتیب سال‌شماری ختا و ایغور در تقویم سابق منسوخ شد و به جای آن، تاریخ رسمی کشور بدین ترتیب معمول گردید که مبدأ تاریخ سال هجرت پیامبر باشد، آغاز سال روز اول بهار باشد، سال شمسی حقیقی باشد و اسامی ماه‌ها به این قرار: فروردین، اردیبهشت، خرداد، تیر، مرداد، شهریور، مهر، آبان، آذر، دی، بهمن و اسفند (علی‌اکبری، ۱۳۸۴: ۲۷۸). ذکر تاریخ عقد می‌بایست به حروف بوده و روز، ماه و سال تماماً ذکر شود (ماده ۱۳ نظام‌نامه دفتر ثبت ازدواج و طلاق).

## ۲.۴. تاریخ ثبت

بلافاصله بعد از وقوع عقد، مراحل ثبت ازدواج در دفاتر رسمی ازدواج انجام می‌گردد. درج تاریخ ثبت ازدواج از جمله این مراحل بود. تاریخ ثبت عقد ازدواج با تاریخ عقد معمولاً یکی و تمام ویژگی آن را دارا بود.

## ۵.۲. معرفی زوجین

به دنبال سیاست کلی رضاشاه برای نو کردن جامعه ایرانی، یکی از الزامات آن داشتن اطلاعات دقیق هویت از تمام مردم ایران بوده که درج آن اطلاعات در عقدنامه‌ها نیز الزامی شد. در معرفی زوجین اطلاعاتی که لازم بود تا در هویت آنان اطمینان کامل حاصل شود، مشتمل بود بر نام و نام خانوادگی و تابعیت زوجین و شماره شناسنامه (در دوره رضاشاه کلمات «نمره» و «ورقه هویت» به ترتیب به جای «شماره» و «شناسنامه» به کار برده می‌شد)، محل صدور آن، تاریخ تولد زوجین، نام پدر و مادر زوجین، محل سکونت و مذهب آنان. در بعضی از اسناد در ضمن - معرفی زوج و زوجه در رابطه با سواد آنان نیز نوشته می‌شد که سواد دارند یا ندارند. پس از معرفی زوجین در همان صفحه، آخر خط در این باره که زوج عیال (همسر) دیگری دارد یا خیر سؤال می‌شد.

## ۱.۵.۲. نام و نام خانوادگی

معرف هویت و نماینده شخصیت هر فردی در جامعه نام و نام خانوادگی است که او را به سایرین معرفی و از دیگران متمایز می‌سازد. این وجه تمایز به صورت و اشکال مختلف در میان افراد و آحاد جوامع بشری بروز و ظهور می‌یابد (میثاقی ممقانی ۱۳۳۶: ۱۱۲). تا پیش از کابینه وثوق‌الدوله (۱۲۹۷هـ.ق) نام خانوادگی در ایران مرسوم نبود و افراد را به یکی از سه روش می‌شناختند: با اضافه کردن به نام پدر و مادر، با ذکر محل تولد یا لقب. القاب را یا عامه مردم بر روی کسی می‌گذاشتند و به تدریج ثابت می‌شد یا شاه و صاحب‌قدرتی به افراد می‌داد. این سه طریق هیچکدام برای شناسایی شخص راه کاملی به شمار نمی‌رفت، زیرا نه وضع انحصاری داشت و نه از تکرار مصون بود (محبوبی اردکانی ۲۵۳۷: ۱۵۷). به دنبال اختلافات و اشتباهات در هویت اشخاص و تزلزل حقوق آنان، در اواسط سال ۱۲۹۵ هـ.ش اولین تصمیم رسمی به صورت تصویب‌نامه‌ای که مشتمل بر ۴۱ ماده بود، برای برقراری امر ثبت احوال در ایران به تصویب هیأت وزیران وقت رسید که در آن نام و نام خانوادگی را، بدون اینکه از کیفیت آن بحث نمایند، به صورت رسمی درآوردند. به موجب اعلان مورخ ۱۱ اردیبهشت ۱۳۰۶ دایره سجل احوال از اداره تشکیلات نظمیہ منتزع و به اداره بلدیہ واگذار شد.

با تصویب قانون سربازگیری (نظام اجباری) برای فراخوان عمومی سربازان، گرفتن شناسنامه و ثبت اطلاعات هویتی نیز ضروری گردید. به دنبال آن در بهمن ۱۳۰۶، قانونی به مجلس

پیشنهاد و تصویب شد و به موجب آن گرفتن شناسنامه برای خانوارها اجباری شد (همان، ۱۵۸-۱۵۹). در این قانون در سال‌های ۱۳۱۴ و ۱۳۱۵ و ۱۳۱۶ اصلاحاتی به عمل آمد «شورای عالی احصائیه» نیز از سال ۱۳۰۴ تا ۱۳۱۷ به طور متناوب تشکیل می‌شد و به این طریق ثبت احوال به تدریج در سراسر کشور عمومیت یافت و اداراتی هم برای این کار در شهرستان‌ها تأسیس شد. در سال ۱۳۰۷ اداره سجل احوال مستقل گردید و به نام اداره «احصائیه و سجل احوال کل مملکت» نامیده شد. در بهمن ۱۳۱۴، برحسب تصویب ریاست وزراء، نام این اداره به «اداره کل احصائیه و ثبت احوال» تغییر نام یافت و در سال ۱۳۱۶ نیز نام آن به «اداره آمار و ثبت احوال» تبدیل شد. بر اساس این قانون، وظیفه جمع‌آوری آمارهای مختلف نیز به اداره سجل احوال محول گردید (همان، ۱۶۰-۱۷۵). در ۱۳۳۷ وظایف ادارات آمار و ثبت احوال از یکدیگر تفکیک و اداره‌ای به نام «اداره کل ثبت احوال» تشکیل شد (همان، ۱۶۱).

## ۲.۶. صدق (مهریه)

به دنبال وضع قانون مدنی بین سال‌های ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۴ ه‍.ش، مهریه از جمله عناصر سند ازدواج بود که تعریف مختص خود را گرفت. مهریه عبارت از مالی است که به مناسبت عقد نکاح مرد ملزم به دادن آن به زن می‌شود. هر چیزی را که مالیت داشته و قابل تملک نیز باشد، می‌توان مهر قرار داد (ماده ۱۰۷۸) (حسینی، ۱۳۸۷: ۲۸۱). الزام مربوط به تملیک مهر ناشی از حکم قانون است و ریشه قراردادی ندارد و به همین دلیل سکوت طرفین در عقد و حتی توافق بر این که زن مستحق مهر نباشد نمی‌توان تکلیف مرد را در این زمینه از بین برد (ماده ۱۰۸۷ قانون مدنی). مرسوم است که زن و شوهر ضمن بستن عقد، در باب میزان و نوع مهر با هم توافق می‌کنند. مهری را که ضمن عقد یا پس از آن به تراضی طرفین معین می‌شود، در اصطلاح حقوق «مهرالمسمی» می‌نامند. ولی در مواردی که زن و شوهر در این باب توافقی نکرده‌اند یا قراردادشان به جهتی باطل است، قانون مدنی زن را مستحق «مهرالمثل» و در پاره‌ای موارد «مهر المتعه» می‌داند (کاتوزیان، ۱۳۵۷: ۱۱۸). در اکثر عقدنامه‌های ازدواج در این دوره، مورد صدق بیشتر نقدی بوده و از حالت جنس درآمدی است. نکته قابل توجه در این قسمت تغییر واحد پول ایران از دینار به ریال است که در مهریه‌های نقدی مشهود است.

## ۲.۷. نوع عقد

از جمله اطلاعاتی که در عقدنامه‌های ازدواج این دوره نیز نیاز به ثبت آن بوده است نوعیت عقد می‌باشد. طبق قانون مدنی دو قسم نکاح شناخته شده است: یکی دائم و دیگری منقطع که

هریک به لحاظ حقوق لوازمی دارد. نکاح دائم عبارت است از رابطه حقوقی که به وسیله عقد بین زن و مرد برای همیشه حاصل می‌گردد و به آنها حق می‌دهد که تمتع جنسی از یکدیگر ببرند. به اعتبار همیشگی بودن نکاح مزبور، دائم نام نهاده شده است (امامی، ۱۳۳۸: ۲۶۹). طبق ماده ۱۰۷۵ قانون مدنی نکاح وقتی منقطع است که برای مدت معینی واقع شود. از تفاوت‌های نکاح منقطع یا نکاح دائم می‌توان به عدم حق نفقه برای زن مگر در صورت شرط خلاف (ماده ۱۱۱۳ قانون مدنی)، عدم توارث (ماده ۹۴۰ قانون مدنی)، لزوم ذکر مهر معین (ماده ۱۰۹۵) اشاره کرد (اسدی ۱۳۸۷: ۱۲۰).

## ۸.۲. شروط

شروط ضمن عقد ازدواج تعهداتی است که در حین ازدواج با توافق زن و شوهر وارد مفاد قرارداد ازدواج می‌شود. این شروط را می‌توان در سند رسمی ازدواج ذکر کرده و با امضای دو طرف رسمیت داد. از وظایف سردفتر ازدواج تفهیم و تشریح شروط نزد زوجین است. اگرچه در قانون مدنی تعریفی از شرط نشده است، ولی بنا به آنچه از مواد مربوط به شرط استنباط می‌شود، می‌توان آن را به معنی التزام و تعهدی تبعی دانست که ضمن عقد تعیین و در کنار تعهد اصلی ایجاد می‌شود و آنچنان با عقد مرتبط است که اگر عقد به جهتی از جهات منحل گردد، شرط نیز تبعاً منتفی می‌شود (محقق داماد، ۱۳۶۴: ۸۳). عقدی که شرطی ضمن آن شده، عقد مشروط یا مقرون به شرط نامیده می‌شود (صفایی، ۱۳۶۹: ۶۹). در ماده ۱۱۱۹ قانون مدنی آمده است:

طرفین عقد می‌توانند هر شرطی را که مخالف با مقتضای عقد مزبور نباشد، در ضمن عقد ازدواج با عقد لازم دیگر بنمایند مثل این شرط شود هرگاه شوهر زن دیگر بگیرد یا در مدت معینی غایب شود، یا ترک انفاق نماید یا بر علیه حیات زن سوء قصد کند یا سوء رفتاری نماید که زندگی آنها با یکدیگر غیر قابل تحمل شود، زن وکیل و وکیل در توکیل باشد که پس از اثبات تحقق شرط در محکمه نهایی خود را مطلقه سازد (محقق داماد، ۱۳۶۴: ۸۸).

قانون مدنی شروط ضمن عقد را بر دو قسم نموده است:

## ۱.۸.۲. شروط فاسده و شروط صحیحه

شروط فاسده به نوبه خود بر دو دسته‌اند: دسته‌ای که باطل‌اند ولی در عقد تاثیر ندارند و آنرا باطل نمی‌کنند. دسته‌ای دیگر که باطل‌اند و مبطل عقد نیز هستند.

شروط باطله: طبق ماده ۲۳۲ قانون مدنی، «شروط مفصله ذیل باطل است، ولی مفسد عقد نیست:

۱. شرطی که انجام آن غیرمقدور باشد؛

۲. شرطی که در آن نفع و فایده نباشد؛



۳. شرطی که نامشروع باشد.»

طبق ماده ۲۳۳ قانون مدنی، «شروط مفصله ذیل باطل و موجب بطلان عقد است:

۱. شرط خلاف مقتضای عقد؛

۲. شرط مجهولی که جهل به آن موجب جهل به عوضین می‌شود.» (امامی، ۱۳۳۸: ۲۶۳-۲۶۴).

شروط صحیحه: ماده ۲۳۴ قانون مدنی می‌گوید: «شرط بر سه قسم است:

۱. شرط صفت ( عبارت است از شرط راجع به کیفیت یا کمیت معامله)

۲. شرط نتیجه ( آن که تحقق امری در خارج شرط شود)؛

۳. شرط فعل اثباتاً یا نفیاً ( آن است که اقدام یا عدم اقدام به فعلی بر یکی از متعاملین یا بر

شخص خارجی شرط شود)» (همان، ۲۷۰).

## ۹.۲. شهود و معرفین

حضور شاهد در عقد ازدواج جهت معرفی ۲ طرف عقد یعنی زوجین است. در فقه عامه، حضور دو شاهد برای صحت نکاح یا نفوذ آن شرط است، ولی در فقه امامیه و قانون مدنی حضور شهود ضرورت ندارد (کاتوزیان، ۱۳۵۷: ۵۶). سردفتر ازدواج موظف به ثبت اطلاعات هویتی شاهدان عقد نکاح می‌باشد. این مشخصات شامل نام و نام خانوادگی، شماره شناسنامه (ورقه هویت)، محل صدور، نام والدین، محل سکونت و امضای آنان است. در رابطه با معرفین نیز درج این اطلاعات صدق می‌کند. علت حضور معرفین طبق مواد نظامنامه دفتر ثبت ازدواج و طلاق بدین صورت ذکر شده :

در صورتی که هویت زوجین نزد صاحب دفتر محرز نباشد بایستی دو نفر از اشخاص معروف و معتمد حضوراً هویت آنان را تصدیق و مراتب در دفتر قید و به امضای معرفین رسیده و این نکته در روی اوراق نیز قید شود. مانعی نیست که معرفین معرف طرف دیگر نیز باشند (ماده ۷ نظامنامه دفتر ثبت ازدواج و طلاق).

## ۱.۹.۲. امضا (توشیح)

امضا واژه‌ای است عربی و به معنی «گذراندن و روان کردن» است. (در سال ۱۳۱۷ فرهنگستان معادل فارسی «دستینه» را به جای امضا انتخاب کرده است). امضا از نظر حقوقی عبارت است از نگارش نام و نام خانوادگی یا ترسیم علامت خاص در ذیل سند عادی یا سند رسمی که به هدف تأیید مندرجات سند مذکور صورت می‌گیرد (آزادپور ۱۳۹۲: ۱). محققاً اینکه امضا از چه تاریخی معمول شده مشخص نیست. همین قدر معلوم است که اگر مهر از جهان شرق بوده، امضا از ابداعات دنیای غرب شناخته شده است. اولین نمونه یا نام آن به قرن سیزدهم میلادی رسیده و

منشور و فرمان بزرگ و معروف آزادی انگلستان در ۱۵ ژوئن ۱۲۱۵ میلادی از طرف پادشاه وقت به نام جان امضا شد (میثاقی ممقانی، ۱۳۵۴: ۲۱۶).

امضا در دوره قاجار با توشیح محمدشاه قاجار بر یکی از اسناد سلطانی ظاهر و با عبارت «صحیح است» همراه شده است. از زمان ناصرالدین شاه و بعد از آن امضا روال و رواج بیشتری یافت و بر روی سند نیز افزوده شد. پیش از آن مهر تنها نشانه صاحب اثر بوده است (شهرستانی، ۱۳۸۱: مقدمه).

با تصویب قانون ثبت اسناد و دفاتر اسناد رسمی تا سال ۱۳۱۰ هـ.ش، امضا نیز دارای اثر قانونی شد و موجودیت رسمی آن در درجه اول برای جامعه ایرانی به عنوان یک اثر و پدیده متعلق به او تسجیل و مسلم گردید. برای بی‌سوادان، اثر انگشت جای امضا را گرفت و استفاده از مهرهای شخصی در مراجع ثبتی به کلی از بین رفت و اعتباری برای آن باقی نماند، مگر در اشخاص حقوقی که مکمل امضا از لحاظ اعتباری گردید (میثاقی ممقانی، ۱۳۵۴: ۲۱۷).

برای امضا شکل خاص و معینی قرار ندادند. بعضی افراد نام و نام خانوادگی خود را به طور ساده به عنوان امضا قرار دارند. برخی دیگر با افزودن پاره‌ای خطوط تزئینی به نام خود عمل امضا را انجام دادند. گاه ممکن بود کسی علامت و شکل خاصی را که مشمول نام وی نبود به عنوان امضای خود اختیار کنند. قوانین مصوبه در رابطه با تعریف امضا و نحوه آن چیزی ارائه نداده است. فقط در آئین‌نامه ثبت احوال مصوب اردیبهشت ۱۳۱۹ آمده است (ماحوزی، ۱۳۷۹: ۲۴۱) که در ثبت هر واقعه باید امضاکننده نام و نام خانوادگی خود را بنویسد و بعد امضا کند، و امضا نیز می‌بایست به خط و زبان فارسی باشد (همان: ۲۱۸).



نمونه امضای مندرج در عقدنامه ازدواج توسط شهود و معرفین، زوجین و سردفتر، به عنوان یکی از مراحل ثبت اطلاعات هویتی.

در اسناد ازدواج مورد بررسی در نیمه دوم عصر پهلوی اول «شهود، معرفین، مجریان صیغه ایجاب و قبول، زوجین و صاحب دفتر»، طبق قوانینی که در ذیل به آن اشاره می‌شود، ملتزم به درج امضا و اثر انگشت جهت تأیید مطالب درج‌شده در سند بوده‌اند. سند پس از ثبت باید به امضای شخص یا اشخاص ذی‌نفع و سردفتر و دفتریار برسد و اگر متعاملین از امضای آن خودداری ورزند، سند ناقص تلقی می‌گردد و تکمیل آن موکول است به کسب اجازه از ثبت محل (ماده ۱۸ قانون دفاتر اسناد، ۶ آئین‌نامه اصلاحی).

طبق آیین‌نامه قانون ازدواج مصوب ۱۳۱۰ برای این که سند ازدواج رسمی محسوب شود، باید به امضای زن و شوهر، مجری یا مجریان صیغه ازدواج و امضای دو شاهد یا بیشتر برسد. همچنین در ماده ۱۰ نظام‌نامه دفتر ثبت ازدواج و طلاق مصوب ۱۳۱۰ آمده:

برای ثبت عقد ازدواج، زوج و زوجه باید شخصاً یا توسط وکیل، ذیل ثبت عقد را در دفتر و ذیل ورقه ازدواج را امضا کنند. هرگاه زوجین بی‌سواد باشند، باید یک نفر مطلع باسواد که معتمد شخص بی‌سواد است، در دفترخانه حاضر گردد و ثبت سند ازدواج را برای شخص بی‌سواد قرائت نماید، این قرائت باید ذیل ثبت مزبور قید گردد و علامت انگشت شخص بی‌سواد ذیل آن گذارده شود.

مطابق ماده ۳ آیین‌نامه ش ۱۳۱۱/۵-۲۰/۱۱۱۴۲۰-۲۰/۵ اگر مجری صیغه عقد ازدواج یک نفر باشد، حداقل امضای سه شاهد لازم است (اسدی، ۱۳۸۷: ۱۱۳).

## ۱۰.۲. ایجاب و قبول

ایجاب و قبول از جمله ارکانی است که در اسناد ازدواج این دوره نیز قابل اهمیت بوده است. در یکی از صفحات عقدنامه ازدواج، اجراکنندگان صیغه ایجاب و قبول، پس از اجرای این صیغه می‌بایست مشخصات شخصی خود، چون نام و نام خانوادگی، شماره شناسنامه، محل صدور و محل سکونت را مکتوب کرده و در نهایت جهت تأیید اطلاعات فوق پایین نوشته‌های خود را امضا کنند. ایجاب عبارت است از اعلام قصد ازدواج گوینده با مخاطب خود، و قبول عبارت است از اعلام قصد پذیرش آن امر (امامی، ۱۳۱۸: ۳۵۳). یک نفر می‌تواند هم ایجاب و هم قبول را بگوید. این دو صورت دارد:

۱. یک نفر اصالتاً از طرف خود و وکالتاً از طرف دیگری ایجاب و قبول را بگوید.

۲. یک نفر وکالتاً از طرف زوجین، ایجاب و قبول را بگوید (لنگرودی، ۱۳۶۸: ۱۰۱).

معمولاً در اسناد ازدواج مورد مطالعه دو طرف مجری صیغه ایجاب و قبول سردفتر ازدواج است. در سایر قراردادها، طرفین می‌توانند اراده خود را به طور صریح بیان کنند، یا اعمالی انجام دهند که از آنها به طور ضمنی قصد و رضایشان احراز شود. ولی قانون‌گذار در رابطه با نکاح در ماده ۱۰۶۲ مقرر می‌دارد: «نکاح واقع می‌شود به ایجاب و قبول به الفاظی که صریحاً دلالت بر قصد ازدواج نماید» (کاتوزیان، ۱۳۵۷: ۵۶). ایجاب و قبول باید لفظی باشد، وگرنه عقد نکاح باطل است (لنگرودی، ۱۳۶۸: ۴). در قانون مدنی تنها لفظ خاص در نکاح شرط نیست، بلکه طرفین می‌توانند به وسیله نوشته بیان اراده کنند و حتی بنا به ماده ۱۰۶۶: «هرگاه یکی از متعاقدين یا هر دو لال باشند، عقد به اشاره از طرف لال نیز واقع شود، مشروط بر اینکه به طور وضوح حاکی از انشاء عقد باشد» (کاتوزیان، ۱۳۵۷: ۵۶).

## ۱۱.۲. محل امضای زوجین

همان‌طور که در صفحات پیشین اشاره شد، زوجین از جمله اشخاص ملزم به امضا اسناد ازدواج هستند. به طوری که محلی مشخص در اسناد ازدواج جهت امضا آنها قرار داده شده است. در صورتی که زوج و زوجه سواد نداشته باشند، اثر انگشت جایگزین امضا می‌شود و نمایندگان و معرفین زوجین در یک جمله اثر انگشت وی را تصدیق می‌کنند.

## ۱۲.۲. تصدیق صاحب دفتر

صاحب دفتر، پس از درج اطلاعاتی که به ترتیب به توضیح داده شد، خود شخصاً به تصدیق صحت ثبت این اطلاعات پرداخته و آن را امضا یا مهر می‌نمود. این مهر مخصوص اداره ثبت بوده و به ندرت شخص از مهر شخصی خود استفاده می‌کند، چرا که مهرهای شخصی کم‌کم جایگاه خود را از دست داده و جای خود را به مهرهای اداری و یا امضا دادند. این مهرها طبق نمونه تصویبی سازمان ثبت بوده و سردفتران حق دخل و تصرف در آن را نداشتند و در آن علاوه بر نام «دفتر رسمی ثبت ازدواج»، شماره آن دفترخانه نیز مهر شده است.

## ۱۳.۲. عبارت ختمیه

در این قسمت سردفتر بر اساس ماده ۱۴ نظامنامه قانون ازدواج یک ورقه از سند ازدواج را به زوجین (معمولاً زوج) می‌داده و شخص پس از دریافت یک نسخه از سند ازدواج به درج امضا و یا اثر انگشت می‌پرداخته است. ماده چهاردهم نظامنامه قانون ازدواج می‌گوید که: صاحب دفتر مکلف است که فوراً پس از نکاح یا طلاق دو نسخه از سواد ثبت را تهیه و پس از امضای اشخاصی که دفتر ثبت را امضا کرده‌اند، به هر یک از زوجین یک نسخه بدهد.

در صفحه آخر عقدنامه ازدواج به تذکر موردی درباره صدق، ملک غیر منقول پرداخته است که متن آن بدین شرح است:

در صورتی که صدق ملک غیرمنقول باشد، باید ملک مزبور مطابق مقررات در دفاتر اسناد رسمی به ثبت برسد. بعد از ثبت در دفتر اسناد رسمی شماره دفتر و تاریخ ثبت به وسیله سردفتر و نماینده دفتر اسناد رسمی باید در این صفحه قید و امضا شود.

در مواردی که اموال غیرمنقول به عنوان مهر تعیین می‌شود، باید سند ازدواج نسبت به ملک هم رسمی شود. در ماده ۴ آیین‌نامه مصوب ۱۳۱۱ آمده:

ملک اگر ثبت شده باشد و صاحب دفتر ازدواج دارای دفتر اسناد رسمی هم باشد، باید ورقه ازدواج را در دفتر اسناد رسمی مطابق مقررات ثبت کند و چنانچه ملک ثبت نشده باشد، باید سند ازدواج را در دفتر اسناد رسمی ثبت کند و چنانچه فاقد دفتر اسناد رسمی باشد، باید ازدواج را به یکی از دفاتر اسناد رسمی حوزه خود یا در صورت عدم وجود

دفتر اسناد رسمی در آن حوزه، به نزدیک‌ترین دفتر اسناد رسمی حوزه مربوطه ارسال نماید تا مطابق مقررات به ثبت برسد.

مهریه غیرمنقول که در دفتر اسناد رسمی به ثبت نرسد، رسمی نیست؛ لذا نمی‌توان نسبت به آن اجراییه صادر نمود (اسدی، ۱۳۸۷: ۱۱۴).

### ۳. نتیجه

با روی کار آمدن رضاشاه و سرآغاز دوران حکومت مطلقه ایرانی، فصل جدیدی در نوسازی و هویت‌سازی ملی ایرانیان آغاز شد. نظام قضایی از جمله ارکانی بود که در دایره تجدّد دولت قرار گرفت. از مشخصات اصلاح نظام قضایی، عرفی کردن قضاوت و محدود ساختن حوزه قضاوت شرعی به اموری نظیر نکاح و طلاق بود که تاپیش از این بر عهده روحانیون بود. به دنبال تدوین و تصویب لایحه قانون مدنی بین سال‌های ۱۳۰۷ تا ۱۳۱۰ ه‍.ش، که یکی از مباحث آن مسأله نکاح و طلاق بود، و تصویب قوانین تشکیلات نوین قضایی و حقوقی آن چون سازمان ثبت اسناد و املاک و دفتر ثبت ازدواج، راه برای موفقیت طرح هویت‌سازی هموار گردید. به عبارت دیگر، همراه با نیازها و الزامات دولت مقتدر و مدرن جهت نوسازی، یکپارچه‌سازی و تکوین هویت ملی منجر به سازماندهی اسناد هویتی، از جمله سند ازدواج، گردید. در سال ۱۳۱۰ ه‍.ش قانون ازدواج و طلاق به تصویب رسید و مقرر گردید در نقاط تعیین شده توسط وزارت عدلیه، ازدواج و طلاق در یکی از دفاتر ازدواج و طلاق مطابق نظامنامه به ثبت برسد. به دنبال این تغییرات صورت‌گرفته در قوانین، محتوا و شکل اسناد نیز متفاوت گردید:

۱. اسناد ازدواج اغلب به صورت دفترچه‌ای و با سرفصل‌های مشخص و یکسان بودند، به طوری که خواننده با دیدن آن متوجه تقسیم‌بندی منظم و مرتب آن می‌شود. به عبارت دیگر، اسناد به صورت خام و آماده و طبق فرم از پیش طراحی شده اداری (برگرفته از اسلوب اروپایی) تنظیم می‌شد. کلیه دفاتر ازدواج موظف به ارائه این دفترچه به زوجین بودند.

۲. کلیه موارد به‌کاررفته در اسناد ازدواج مطابق با قانون مدنی و قانون ازدواج و طلاق بود.

۳. تغییرات درونی سند ازدواج ارتباط مستقیمی با سیاست رضاشاه در نوکردن جامعه و طرح هویت‌سازی وی داشت، به طوری‌که ثبت اطلاعات هویتی چون اسم و نام خانوادگی و تابعیت زوجین و شماره شناسنامه، محل صدور، تاریخ تولد زوجین، نام پدر و مادر زوجین، محل سکونت و مذهب آنان و ... توسط دفاتر ازدواج الزامی شد.

### پی‌نوشت‌ها

۱. تجدید تشکیلات نهاد دادگستری در عصر رضاشاه را می‌بایست بیش از هر کسی مدیون علی‌اکبر داور، وزیر دادگستری پرشور و پرتلاش رضاشاه، دانست. وی در ۱۸ بهمن ماه ۱۳۰۵ به وزارت عدلیه منصوب شد و در آخرین روزهای بهمن‌ماه ۱۳۰۵ عدلیه را منحل کرد و عدلیه جدید را در اردیبهشت ۱۳۰۶ بنا نهاد (امین، ۱۳۸۸: ص ۸).

## منابع

- ارجمند، سیروس (۱۳۷۵). «تاریخچه تمبر ایران در دوران پهلوی»، ایران‌شناسی، سال ۸، ش ۴، صص ۷۴۶-۷۵۶.
- اسدی، لیلا سادات (۱۳۸۷). «نقد و بررسی قوانین ثبت ازدواج»، فصلنامه شورای فرهنگی اجتماعی زنان، سال ۱۰، ش ۴۰، صص ۱۰۳-۱۳۰.
- اکبری، محمدعلی (۱۳۸۴). تبارشناسی هویت جدید ایرانی (عصر قاجار و پهلوی اول)، تهران، علمی و فرهنگی.
- امامی، سید حسن (۱۳۳۸). حقوق مدنی، تهران، دانشگاه تهران، ج ۴.
- امین، حسن (۱۳۸۸). «دادگستری در عصر پهلوی اول»، دادنامه، ش ۳، صص ۸-۱۲.
- آذربور، حمید و غلامرضا حجتی اشرفی (۱۳۸۱). مجموعه محشی از بخشنامه‌های ثبتی، تهران، گنج دانش.
- آل داود، سیدعلی (۱۳۸۴). «برگی از تاریخ ثبت اسناد در ایران (با نگاهی به دفتر اسناد شیخ فضل‌الله نوری)»، کانون وکلا، ش ۱۸۸ و ۱۸۹، صص ۵۶-۶۸.
- حسینی، محمدرضا (۱۳۸۷). قانون مدنی در رویه قضایی، زیر نظر یونس قهرمانی، تهران، مجد.
- خرازچی، احمد (۱۳۷۱). «تحولات واحد پول و تمبر در ایران»، مجله تمبر، ش ۷، صص ۱-۳.
- ده‌پهلوانی، طلعت و حسن زندیه (۱۳۹۰). «نقش علمای شیعه در نوسازی نظام قضایی عصر پهلوی اول»، مطالعات اسلامی: تاریخ فرهنگ، سال ۴۳، ش ۸۶، صص ۱۲۱-۱۴۴.
- دیانی، عبدالرسول (۱۳۸۴). «حجیت اسناد»، دادرسی، ش ۵، صص ۲۵-۳۶.
- زندیه، حسن (۱۳۹۲). تحول نظام قضایی ایران در دوره پهلوی اول (عصر وزارت عدلیه علی‌اکبر داور، ۱۳۰۵-۱۳۱۲)، قم، پژوهشگاه حوزه و دانشگاه.
- شهرستانی، سید حسن (۱۳۸۱). جلوه‌های هنر ایران در اسناد ملی، تهران، سازمان اسناد ملی.
- شهسوارانی، حسین (۱۳۳۸). «یادی از پایه‌گذاران سازمان ثبت اسناد و املاک ایران و سردفتران اسناد رسمی»، ماهنامه حافظ، ش ۸، صص ۱۹۱-۲۰۱.
- صفایی، سید حسین (۱۳۶۹). حقوق خانواده، تهران، دانشگاه تهران.
- عاقلی، باقر (۱۳۷۱). خاطرات یک نخست‌وزیر (دکتر احمد متین‌دفتری)، تهران، علمی.
- علایی، علی‌اکبر (۱۳۴۴). «تمبر و تمبرشناسی»، هنر و مردم، ش ۳۷، صص ۱۸-۲۷.
- کاتوزیان، ناصر (۱۳۵۷). حقوق مدنی خانواده، تهران، دانشگاه تهران.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۸۶). زندگی من، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۷۴). قواعد عمومی قراردادها، تهران، شرکت سهامی انتشار.
- کریم‌پور، مهدی (۱۳۷۶). «ثبت رسمی ازدواج و طلاق»، کانون، ش ۴، صص ۱۹-۲۸.
- لنگرودی، جعفر (۱۳۸۴). ترمینولوژی حقوق، تهران، گنج دانش.
- \_\_\_\_\_ (۱۳۶۸). حقوق خانواده، تهران، گنج دانش.
- ماحوزی، علیرضا (۱۳۷۹). مجموعه قوانین ثبت احوال و قوانین مرتبط با آن، تهران، سازمان ثبت احوال کشور.

اسناد هویتی ایرانیان در دوره پهلوی اول، ۱۳۲۰-۱۳۱۰ ه‍.ش (مطالعه موردی: سند ازدواج) / ۹۷

محبوبی اردکانی، حسین (۱۳۵۶). تاریخ مؤسسات تمدنی جدید در ایران، تهران، دانشگاه تهران.  
محقق داماد، مصطفی (۱۳۶۴). «تحلیلی درباره شروط ضمن عقد نکاح»، مطالعات حقوقی و قضایی، ش ۲، صص ۹۱-۸۲.

محمدی، سید جلیل (۱۳۷۹). «سیر مالکیت در ایران و چگونگی ثبت اسناد و املاک»، کانون، ش ۲۳، صص ۷۱-۸۱.

مهدوی دامغانی، احمد (۱۳۸۳). «تاریخچه محضر و دفتر رسمی»، ماهنامه حافظ، ش ۷، صص ۱۷-۲۰.  
میثاقی ممقانی، ابراهیم (۱۳۵۴). «نقش امضا و اثر انگشت از نظر قانونی»، کانون وکلا، ش ۱۳۰، صص ۱۹۳-۱۹۷.

\_\_\_\_\_ (۱۳۳۶). «اسم و موقعیت قانونی آن»، کانون وکلا، ش ۵۴، صص ۱۱۲-۱۱۶.

#### ب) مجموعه اسناد:

سازمان اسناد و کتابخانه ملی.

کتابخانه و مرکز اسناد مجلس شورای اسلامی.

سازمان اسناد و کتابخانه ملی ایران مدیریت غرب کشور (همدان).

